

هویت یابی و کارکردشناسی نظام اخلاقی اسلام

مسلم محمدی^۱

چکیده

کارآمدی اخلاق در جامعه دینی آن گاه معنا می یابد که واجد دو ویژگی باشد، نخست آن که اخلاق در زیر شاخه های دین خود را باز شناسد و دیگر آن که به ارزشهای اخلاقی در قالبی نظام مند نگریسته شود، نه صرف گزاره های پراکنده و غیر ارگانیک. از این رو در هویت یابی نگاه سیستمی، اخلاق همانند اعتقادات و احکام در درون خانواده دین خود را می یابند و برهم اثر می گذارند.

نظام اخلاقی دین دارای اضلاع سه گانه است که عبارتند از عناصر، خاستگاه و هدف و تفاوت ماهوی نظام اخلاقی اسلام و اخلاق سکولار یکی در منشا و دیگری در کارکرد و هدف است. وجه مشترک آن ها تنها در افعال اخلاقی است که از این نظر نیز میان آن ها تفاوتی اساسی مطرح است.

شاخصه های مبنایی نظام اخلاق دینی عبارتند از: خدامحوری به معنای این که هستی و اساس همه چیز در عالم، به ذات مطلق و لا یتناهی خداوند باز می گردد. واقع گرایی و نفی نسبی گرایی اخلاقی اینکه ایدئولوژی ارزشی نیست جز آنچه برگرفته است از جهان بینی اخلاقی، جامع گرایی به معنای دربردارنده بودن ویژگی های وجودی انسان و بر قراری انسجام درونی میان آن ها، توجه به حسن فعلی و فاعلی و همچنین دفاع عقلانی از اخلاق به معنای نقش حمایت گرایانه حسن و قبح عقلی از ثبات ارزش های اخلاقی.

در مساله کارکردهای دین در نظام اخلاقی، می توان از ایضاح مفاهیم اخلاقی، ضمانت در اجراء، غایت مندی اخلاق دینی، مدیریت اخلاق انسانی در مهار و کنترل نفسانیات و ردائل اخلاقی نام برد.

کلید واژه ها: نظام اخلاقی، اسلام، مفاهیم اخلاقی، اخلاق دینی، کارآمدی دین

طرح مساله

درباره اهمیت نظام اخلاقی در اسلام بارو یکرد کارآمدی دین، مساله نگاه نظام مند و سیستماتیک به دین مطرح است، زیرا نگاه فردی در حقیقت نگاه جزیره ای است که می تواند مجموعه ای از آموزه های منضاد و حتی متناقض را کنار هم گرد آورد. برخلاف رویکرد مبتنی بر یک نظام و ارگانیزم خاص، که فروغش برگرفته از اصول و ایدئولوژی ریشه در جهان بینی آن دارد.

به سخن دیگر سبب بحث از مساله ماهیت نظام اخلاق دینی از آن روست که برخی از نگرش ها مانند رویکرد اخلاق سکولار^۲، در مساله اخلاق صرفاً ناظر به جنبه های خاصی مانند اخلاق فردی است. حال آن که با توجه مفهوم نظام اخلاق دینی را باید به عنوان یک نظام یا سیستم با ارکان و عناصر لازم در ایجاد و بقا مورد توجه قرار داد.

mout.ac.ir@gmail.com

^۱ استادیار دانشگاه تهران (پردیس قم)

^۲ درباره بررسی تفصیلی درباره ماهیت و نقد تفکر اخلاق سکولار بنگرید به کتابی با همین عنوان اثر جناب آقای محمد سربخشی، نشر موسسه امام خمینی.ره

در حقیقت با عدم باور به مجموعه نظام مند دینی، راه برای انواع نگاه های گزینشی به دین فراهم می آورد، از این رو در جواب این سوال که آیا اساساً اخلاق بدون خدا ممکن است یا نه؟ در جواب باید گفت، اگر مراد مطلق اخلاق نباشد، بلکه نظام اخلاقی منظور باشد، که سعادت حقیقی انسان را فراهم می سازد، و منظور از خدا معبود واحد سرمدی باشد، جواب مطلقاً منفی است. زیرا از منظر فلسفی و هستی شناسانه اخلاق در هر شکل و در هر سطح آن پدیده است مانند سایر پدیده ها و هیچ پدیده ای بی پدید آورنده نیست پس اخلاق هم بدون خدا ممکن نیست... اما اگر مراد نظام های اخلاقی گوناگون و دارای مراتب متفاوت به لحاظ ارزش و اهمیت باشد، می توانند بدون خدا وجود داشته باشند،... به بیان دیگر مطلقاً نمی شود گفت که اخلاق با دین پیوند دارد یا مستقل از دین است، بلکه باید دید کدام اخلاق بر کدام مبنا؟ اگر فقط اصل مبانی این نظریه را در نظر بگیریم متوقف بر دین نیست، اما اگر بخواهیم به آن شکل خاصی بدهیم که چه اخلاقی خوب است و چرا خوب است با اصول دین ارتباط پیدا می کند. وقتی می خواهیم کمال نهایی انسان را مشخص کنیم، ناچاریم مسأله خدا را مطرح کنیم. تا اثبات کنیم که کمال نهایی انسان قرب به خدا است.^۳

برخی از ادله نظام سازی اخلاقی را این گونه می توان تصویر نمود: لازمه فهم دقیق تعالیم اسلام در سایه دیدن ارتباط آن ها با یکدیگر و ادراک نسبت میان آن هاست. زیرا آموزه های دینی مجموعه ای مترابط، منسجم و هدف مند هستند که فهم عمیق یک عضو در گرو یافتن آن در مجموعه رابطه هاست. و دیگر آن که چون رهبران حکومت های دینی رشد اخلاقی انسان ها را یکی از مهم ترین اهداف خود می دانند، لازمه برتامه ریزی درست وجود تصویری نظام مند از اخلاق اسلامی است تا بر پایه آن بتوان اقدامات لازم را برای توسعه و تعمیق اخلاق اسلامی را سامان داد.^۴

هویت معرفتی نظام اخلاقی

بیان های مختلفی از نظام اخلاقی شده است:

استاد جوادی آملی: به معنای اجتماع اجزاء و قطعات به هم پیوسته در مجموعه ای که با تاثیر در یکدیگر به صورت هدایت شده هدف و احد و مشخصی را دنبال می کنند.^۵

استاد مصباح یزدی: به جای اطلاق عنوان اخلاق اسلامی یا اخلاق دینی باید به عنوان یک نظام منسجم بر پایه های خاص خود به آن نگریست زیرا اصطلاح نظام مربوط به جایی است که مجموعه ای از عناصر مربوط به هم موجود بوده و به دنبال کارکرد و هدف خاصی باشند، همانگونه که مجموعه دستگاه های مختلف یک حکومت را که در جهت اداره یک مملکت فعالیت می کنند نظام حکومتی می گویند.^۶

تعریف های ارائه شده فوق از سوی استاد جوادی آملی و استاد مصباح یزدی به اهم مولفه های اصلی نظام اخلاقی توجه شده، که یکی ارتباط عناصر داخلی و دیگری اشتراک در نتیجه هدف است.

مرحوم صفائی حائری: نظام اخلاقی نظام و رشته و رابطه ای است که میان علم وقواعد و روش ها و دیدگاه ها و ... خوی و خلق و حال و اندیشه و عمل و قول هماهنگی برقرار می کند. ایشان در ادامه می افزاید دین نباید به صرف اعتقادات و عبادات و اخلاقیات تفسیر شود زیرا در این صورت با تحول شرایط و دوره های

۳ - مصباح یزدی، دروس فلسفه اخلاق، ۱۹۸-۱۹۷ و فتحعلی، اخلاق هنجاری، صص ۱۹-۱۸

۴ - اسلامی، اخلاق اسلامی و کاربریست قاعده تسامح در ادله سنن، صص ۱۳۴-۱۳۵

۵ - جوادی، آملی، ادب قاضی در اسلام، ص ۱۴۱

۶ - مصباح یزدی، یش نیاز های مدیریت اسلامی، ص ۱۴۹

عقلی و علمی و دوره های تاریخی و حوزه های جنسی و اقتصادی وضعیت متفاوت خواهد شد. (دین نیز متحول خواهد شد، که لازمه آن منجر شدن دین به نسبیّت و بی ثباتی در گذر تحول تاریخ خواهد بود.) از این رو از نگاه ایشان دین به معنای هدایت و معرفت است که بر گرایش ها، احساسات، اعتقادات و عمل تاثیر گذار است و با نظام تربیتی و معرفتی به نظام اخلاقی می رسد.^۷

نکته قابل توجه در برداشت ایشان این است که نظام اخلاقی را هماهنگ کننده میان جنبه های نظری و عملی می داند و دین با جامعیت آن نسبت به اعتقادات، عبادات و اخلاقیات نقش هدایت گری و معرفتی خواهد داشت.

در تعریف دیگری از ایشان که تعریف دقیق تری به نظر می آید این است که نظام را به معنای جریانی می داند که به مجموعه های مرتبط هدفمند معنا می دهد و آن ها را تبیین و تحلیل می کند. جریانی که مبنا و مقصد و روش و راه و مراحل را مشخص می کند. و مراد از نظام مجموعه منظمه نیست بلکه مراد از نظام عامل پیوند است.^۸

محمد تقی سبحانی: نظام به مجموعه ای متناسب و متناسق از گزاره ها اطلاق می شود که در تعامل با یکدیگر هستند و در پیوند متقابل و متوازن به تفسیر هماهنگ مجموعه ای از اشیا یا پدیده ها می پردازند و آدمی را به موضع گیری هدفمند دعوت می کنند نظام، مجموعه ای مرکب و پیچیده است که اجزاء آن وحدت ترکیبی دارند، هر نظامی متشکل از خرده نظام هایی است که کوچک و محدود هستند ولی ویژگی های یک نظام کلان را دارند. بین این خرده نظام ها بایکدیگر و بین هر خرده نظام با کلان نظام پیوستگی و هماهنگی لازم وجود دارد و همه جهت گیری ها در نظام کوچک تر در خدمت جهت گیری های کلان نظام اصلی می باشد.^۹

یک نظام با توجه به چهار اصل کثرت، (مجموعه ای از گزاره های بیان کننده جنبه های مختلف نظام) اصل پیوستگی، (پیوند و ارتباط متقابل معنایی و ساختاری گزاره های درونی نظام) اصل هماهنگی (هماهنگی و سازگاری درونی میان گزاره ها) و اصل هدفمندی (بیان کننده نقش هر یک از عناصر و خرده نظام ها در تامین هدف مورد نظر) تبیین می گردد.^{۱۰}

محمد تقی اسلامی: هویتی که ویژگی های انسجام، جامعیت، هدف مندی و انطباق بر شرایط ویژه فردی و اجتماعی را به طور یک جا دارا باشد. هرچند مدل های ارائه شده سه گانه اخلاق فلسفی، عرفانی و نقلی در میراث مکتوب گذشتگان به دلیل فقدان برخی از این ویژگی ها شرایط لازم برای یک نظام کامل و جامع را ندارند. که اخلاق نقلی و حتی تلفیقی را کاربرست بی رویه قاعده تسامح در ادله سنن (مستحبات فقهی) آن را تهدید می کند.^{۱۱}

۷ - ر. ک: صفائی حائری، نظام اخلاقی اسلام، صص ۲۷-۲۸

۸ - ر. ک: پورسید آقایی، دین و نظام سازی در نگاه استاد علی صفایی حائری، ص ۸۷ به بعد

۹ - سبحانی، محمدتقی، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، صص ۹۴-۹۹

۱۰ - همان، صص ۹۶-۹۷

۱۱ - اسلامی، اخلاق اسلامی و کاربرست قاعده تسامح در ادله سنن، صص ۱۳۵-۱۳۷

نظر نگارنده

در تعریف های ارائه شده فوق به مولفه های ارزشمندی از نظام اخلاقی توجه داشته است که عبارتند از: ارتباط عناصر داخلی، اشتراک در نتیجه هدف، هماهنگی میان جنبه های نظری و عملی، نقش هدایت گری و معرفتی دین، بیانگر بودن گزاره ها از جنبه های مختلف نظام، پیوند و ارتباط متقابل معنایی و ساختاری گزاره های درون نظام، هماهنگی و سازگاری درونی میان گزاره ها، نقش بیان کنندگی هر یک از خرده نظام ها در تامین هدف، انسجام، جامعیت، هدف مندی و انطباق بر شرایط ویژه فردی و اجتماعی، که این ها حاکی از این داستان است که اگر این داستان جدی گرفته شود می توان چشم امید به ارائه نظریه کاملی و جامعی از نظام اخلاقی که در برگیرنده همه اجزاء و مولفه های آن باشد دست یافت.

اما به نظرنگارنده در تعریف های پیش گفته یکی از اجزاء و مولفه های مهم و تاثیر گذار، نادیده انگاشته شده که آن منشا و خاستگاه یک نظام اخلاقی است. اعم از این که انسانی باشد یا خدایی، زیرا همان گونه که خواهد آمد، مهم ترین شاخص نظام اخلاق دینی منشا و خاستگاه قدسی و الهی آن است، علاوه بر این که تمایزی میان اجزاء و شرایط صورت نگرفته است. که آن چه در ماهیت نظام بیان می شود از شرط است یا جزء.

از این رو به نظر می رسد نظام اخلاقی دارای اضلاع سه گانه است که عبارتند از عناصر، خاستگاه و هدف. مراد از عناصر، افعال اخلاقی انسان مبتنی بر ملکات درونی است و خاستگاه آن عقل، نقل و فطرت بوده و هدف از نظام اخلاقی تقرب الهی می باشد. اما در تعریف اخلاق سکولار مراد از عناصر، افعال اخلاقی انسان است اعم از اینکه مبتنی بر ملکات درونی یا بیرونی باشد، که خاستگاه تنها وجدان آدمی با پشتوانه اومانیسیمی مطرح است بدون توجه به وحی و انگیزه تقرب به حق. در واقع با این بیان دو تفاوت ماهوی نظام اخلاقی اسلام و اخلاق سکولار یکی در منشا و دیگری در کارکرد و هدف است. وجه مشترک آن ها تنها در افعال اخلاقی است که آن نیز در فلسفه اخلاق اسلامی متفرع بر ملکات و سجیات باطنی است.

انسجام درونی عناصر، جامعیت ارکان، ارتباط متقابل محتوایی و ساختاری گزاره ها و هماهنگی میان اصول ایدئولوژی و جهان بینی و جنبه های نظری و عملی را نیز می توان از اهم شرایط نظام اخلاقی دین نام برد.

رابطه ارگانیک دین و اخلاق

در هویت یابی نظام اخلاقی آن چه اهمیت دارد، شمول دین بر اخلاق به عنوان رابطه جزء و کل و ارگانیک میان آن ها است. زیرا دین شامل اعتقادات، اخلاق و احکام می شود. که اقسام سه گانه از حدیث معروف نبوی به خوبی هویدا و مبرهن است: آنجا که فرمودند: *إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحَكَّمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ غَدِيلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ* همانا علم سه چیز است: آیه محکم، فریضه عاده و سنت پابرجا. ۱۲ این سه رکن همان عقائد، اخلاق و احکام شرعی است، که همه در درون خانواده دین خود را می یابند و برهم اثر می گذارند. مثلا التزام به احکام شرعی سبب ساز اخلاق و اعتقادات الهی خواهد بود و بالعکس در موارد مشابه.

در این میان استاد مطهری درباره رابطه دوسویه اعتقادات و اخلاق می گوید: اعتقاد بر اخلاق و عمل اثر می گذارد و اخلاق و عمل نیز به نوبه خود بر اعتقاد اثر می گذارند. معنویت یا مادیت اخلاقی و عملی کاملا در

اعتقاد مؤثر است و بالعکس، اعتقاد مادی یا غیرمادی نیز در اخلاق و عمل مؤثر واقع می‌شود. برای اعتقاد محکم و استوار داشتن باید فضای مساعد اخلاقی و عملی نیز فراهم آورد. برای مثال اعتقاد الهی در فضای مساعد اخلاقی و عملی معنوی، استحکام یافته و پایدار می‌ماند. در غیر این صورت مادیت اخلاقی بتدریج آن را مضمحل و فرسوده می‌سازد. اعتقاد مادی و غیرالهی نیز نمی‌تواند با اخلاق و عمل معنوی سازگار باشد و دیر یا زود، اخلاق و عمل معنوی، اعتقادی همسو با خود را تحقق می‌بخشد و یا بالعکس، اعتقاد مادی، اخلاق و عمل مادی موافق و سازگار با خود را تحقق خواهد بخشید و سبب از بین رفتن خلق و فعل معنوی خواهد شد.^{۱۳}

در حقیقت مهم ترین شاخص نظام اخلاق دینی منشا و خاستگاه قدسی و الهی آن است نه ریشه های اومانیسمی و بشری، از این رو به اعتقاد باورمندان به ادیان توحیدی، اخلاق جز در گرووابتنای بر دین معنا ندارد، از نگاه آنان اخلاق جزئی از دین است، بر این مبنا رابطه دین و اخلاق رابطه عموم و خصوص من وجه نیست، بلکه رابطه ارگانیکی و جزء و کل است، به این معنا که اخلاق جزء دین است، و دین مانند درختی است که ریشه آن عقاید، تنه اش اخلاق، و شاخ و برگ و میوه اش احکام است.^{۱۴} زیرا با در نظر گرفتن این واقعیت از دین که شامل پدیده های مربوط به زندگی می‌شود، می‌توان به وضوح ملاحظه کرد که اخلاق جزء دین است.^{۱۵} از این رو گفته شده ادیان صرفاً مجموعه ای از تعلیمات در باب درست و نادرست نیستند بلکه برنامه کلی زندگی اند. در نتیجه تعجب آور نخواهد بود اگر ادیان نسبت به پرسشهای فوق ارزشی اخلاق که جنبه حیاتی دارند، پاسخهایی ارایه کنند.^{۱۶}

به تعبیر یکی از دانشمندان غربی به سه دلیل می‌توان گفت اخلاق بر مبنای دین است: ۱. چون خدا خالق همه چیز است پس خالق خیر نیز هست، اگر خدا نبود خیر هم نبود.

۲. خدا هست که به ما توانایی شناخت آنچه را می‌شناسیم اعم از اخلاقی و غیر اخلاقی داده است. پس بدون داشتن معرفتی از خدا یا درباره خدا داشتن معرفت اخلاقی ناممکن است.

۳- انگیزش اخلاقی: معرفت از خدا یا درباره خدا به عنوان دلیل رفتار اخلاقی لازم است.^{۱۷}

این ویژگی نه تنها در اسلام که کاملاً آشکار و مبتنی بر یک سلسله اصول منطقی است بلکه با دیگر ادیان توحیدی نیز تا حدی همخوانی دارد. به قول آقای جفری پربنور متخصص مطالعات تطبیقی ادیان می‌نویسد: اسلام اخلاق را جزئی از دین می‌خواند، در مورد مسیحیت و یهودیت نیز گفته می‌شود که رأی این دو دین با توجه به قاعده زرین و داستان ده فرمان که جزء تعلیمات اساسی این دو دین است و محال است متدین به این دو دین آنها را نپذیرند، این است که اخلاق جزئی از دین است.^{۱۸}

و به بیان اخلاق پژوهی دیگر دلایل ضرورت ابتنای اخلاق بر دین عبارت است از: ۱- سبب اصالت و تعالی اخلاق می‌گردد. ۲- اعتقاد و ایمان مبدا یقین و آرامش نفس برای عمل و رفتار است. ۳- در حیات

۱۳ - مطهری، علل گرایش به مادیگری، صص ۱۷۴- ۱۷۰

۱۴ - مصباح یزدی، دین و اخلاق، ص ۳۷

۱۵ - جعفری، فلسفه دین، ص ۲۵۲

۱۶ - گرین، اخلاق و دین، ص ۳۶

۱۷ - برگ، پی‌ریزی اخلاق بر مبنای دین، ۲۱۵-۲۰۴

۱۸ - دین و اخلاق، ماریه سید قریشی، ص ۲۰

اخلاقی نظر بر عمل مقدم است، و رفتار ناشی از اعتقاد است براین مبنا عمل باید بر متافیزیک مبتنی باشد (مجتبوی، بی تا: ۵) از این رو بدون اخلاق، انسانی و بدون دین، اخلاقی وجود ندارد.^{۱۹}

دین در قلمروی اخلاق نقش های موثری دارد، که از جمله آن ها عبارتند از: ۱- پرورش و تقویت فضایل و احیای کرامت انسانی ۲- تعدیل غرایز سرکش و رهبری آن ها، ۳- پشتوانه اجرایی برای تحقق بخشیدن به ارزش ها، ۴- منبع کشف برخی از ارزشهای اخلاقی ۲۰

نیکلسن با اینکه یک شرق شناس غربی است در موضوع تأثیر قرآن در عرفان و تصوف می گوید: در قرآن این آیات را می بینیم: الله نور السموات و الارض • هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن • هو الله الذی لا اله الا هو • کل شیء هالک الا وجهه • و نفخت فیه من روحی • انا خلقنا الانسان و نعلم ما توسوسه نفسه و نحن اقرب الیه من حبل الوريد • اینما تولوا فثم وجه الله • من لم يجعل الله له نورا فما له من نور من لم يجعل الله له نورا فما له من نور محققا ریشه تصوف در این آیات است. ۲۱

مبانی نظام اخلاق اسلام

مبانی معرفت شناسانه نظریه نظام اخلاق اسلام متفرع برسلسله ای از مبانی اساسی و بنیادین است. که در واقع وجه ممیزه آن با دیگر مکاتب اخلاقی است. که با بررسی مجموعه پژوهش های حوزه دین و اخلاق اهم آن ها را این چنین می توان برشمرد:

الف: خدامحوری و دین مداری

دین می تواند بنیاد اخلاق باشد و از این طریق آن را ضمانت کند...چرا که اولاً تاریخ و تجربه نشان داده است، که هر جا دین از اخلاق جدا شده اخلاق خیلی عقب مانده است، ثانیاً دین به راحتی می تواند انضباطهای اخلاقی محکم و پولادین به وجود آورد ثالثاً به عنوان مؤید می توان گفت حتی بعضی از متفکران که در مبحث اخلاق به تأمل پرداختند به این مسأله اذعان دارند، که دین بهترین پشتوانه برای اخلاق است برای مثال داستایوفسکی روسی می گوید: اگر خدا نباشد همه چیز مباح یا مجاز است. ۲۲

اجزاء خدامحوری عبارت است از این که هستی و اساس همه چیز در عالم، به ذات مطلق و لا یتناهی خداوند باز می گردد. و اینکه انسان قابلیت حرکت پذیری تا وصول به کمال نفس و دستیابی به قرب و رضوان الهی را دارد. و همچنین رضا و سخط الهی در فضیلت یا ردیلت بودن افعال اختیاری انسان معیار و ملاک است.

ب: واقع گرایی و نفی نسبی گرایی اخلاقی

نسبی گرایی اخلاقی امروزه در نوع مکاتب سکولاریستی به وضوح مشهود است و بر مبنای آن تمام ارزش های اخلاقی از ثبات و جاودانی به دور خواهند بود.

۱۹- عبد الرحمن، مدرنیسم، اخلاق و عقلانیت، صص ۲۱۵-۲۱۴

۲۰- جعفر سبحانی، مجله تخصصی کلام، ص ۶

۲۱- مطهری، مقالات فلسفی ج ۳ ص ۵۱-۵۲

۲۲- مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام ص ۱۸ و ص ۱۳۶-۱۳۴

طبق یک تعبیر نسبی‌گرایی اخلاقی نگرشی است که بنا بر آن هیچ حقیقت مطلقی وجود ندارد و داورها و آرمان‌های ما وابسته عوامل اجتماعی تاریخی و شخصی اند.^{۲۳} نسبیت‌گرایی اخلاقی نفی کمال و جاودانگی دین را موجب خواهد شد زیرا با توجه به گستره و جایگاه اخلاق در اندیشه دینی تا جایی که هدف بالذات تکوین و تشریح را میل به فضائل عالی و اخلاقی می‌داند به گونه‌ای که در تمام تعالیم دینی جهات اخلاقی لحاظ شده است، با توجه به این حقیقت، قبول تغییر پذیری و عدم ثبات احکام اخلاقی، عصری و موقتی شدن آموزه‌ها و تعالیم دینی و در نتیجه به انکار کمال و خاتمیت دین منجر می‌شود.^{۲۴}

اما آنچه در اسلام مورد تایید و تاکید است واقع‌گرایی است، همانگونه که در سخنان امام علی (ع) نیز این حقیقت به وضوح مشهود است، از جمله آن گاه که می‌فرماید: خداوند رسولان را پی در پی فرستاد «لیستادوهم میثاق فطرته... ویثیروالهم دفائن العقول»^{۲۵} که این به صراحت حاکی از واقع‌گرایی اخلاقی است.

واقع‌گرایی در مباحث فلسفه اخلاق به این معناست که میان است و نیست و فضائل و رذائل اخلاقی ترابط و تلازم حقیقی و غیر قرار دادی وجود دارد، ایدئولوژی ارزشی چیزی نیست جز آنچه برگرفته است از جهان بینی اخلاقی، بر خلاف آن چه امروزه در برخی آثار روشنفکری وطنی به صراحت بر جدایی میان آن‌ها تاکید می‌شود و قضایای اخلاقی صرفاً از سنخ انشائیات به حساب می‌آیند.

ج: جامعیت‌گرایی دینی

اساس و مبنای جامع‌گرایی اسلام، توجه به ویژگی‌های وجودی انسان مانند عواطف، احساسات، لذاذ و غرایز و بر قراری انسجام درونی میان آن‌ها و عدم تنافی با عقل‌گرایی و حتی تقرب الهی است، همچنین توجه به اختیار و انتخاب آگاهانه بشر، با وجود تراخیم‌های گوناگون در زندگی مادی و معنوی او و این که انسان در قبال خدا، وجدان و جامعه دارای مسئولیت و وظیفه است. از این رو ارزش و عیار اخلاقی امور مربوط به وجدان و جامعه در طول مسئولیت در قبال خداست، و فضیلت و رذیلت به حساب آمدن آن‌ها منوط به رضایت و عدم رضایت الهی است. این جامعیت، تک بعدی دیدن انسان را بر نمی‌تابد و مخالف موضوعیت دادن تنها به یکی از ابعاد سه گانه فوق است. که در معیار‌گزینی اخلاقی هر کدام از این رویکردها باعث پیدایش مکتب یا مکاتبی شده است.

به ترتیب نظریه امر الهی اشاعره و دیدگاه خدا محورانه کرگارد، وجدان‌گرایی ژان ژاک روسو و وظیفه‌گرایی کانت، جامعه‌گرایی دور کیم و دیگر‌گرایی آدام اسمیت و شوپنهاور، نماینده یکی از زوایای مثلث فوق به حساب می‌آیند.

اما مکتب اخلاقی اسلام در عین این که به صورت موجه جزئی، دیگر مکاتب را در بر دارد، مکتب نتیجه‌گرای خود گراست یعنی هدف آن کمال مطلوب انسان و قرب الهی است، همچنین لذت گراست اما نه هر لذتی بلکه لذتی که خیر و ابقی، که از نظر کیفیت حیر و از نظر کمیت ابقی است.

۲۳. لاوین، از سقراط تا سارتر، پرویز بابایی، ص ۵۸۳

۲۴ - مطهری، نقدی بر مارکسیسم، ص ۱۸۵

۲۵ - نهج البلاغه خطبه ۱

د: حسن فعلی و فاعلی

در اخلاق دینی در کنار اهمیت به حسن فعلی، توجه به حسن فاعلی و نیت پاک و خالص در انجام امور و این که نیت امری اعتباری و قرار دادی نیست بلکه حقیقتی تکوینی و ناثیر گذار بر اعمال انسان است. جایگاه بالایی دارد. از این رو میان افعال اخلاقی انسان و نتایج آن‌ها رابطه علت و معلولی برقرار است، که اصطلاحاً از آن به ضرورت بالقیاس الی‌الغیر تعبیر می‌شود.

ه: دفاع عقلانی از اخلاق

معمولاً صاحب نظران حسن و قبح عقلی و دفاع عقلانی دین از اخلاق را به عنوان یکی دیگر از پشتوانه‌ها اساسی اخلاق مطرح می‌کنند. این مساله به خصوص در دیدگاه عقل‌گرایی اصلی بنیادین و اساسی است. زیرا هم در مقام ثبوت حسن و قبح اخلاقی را ذاتی می‌دانند و مهم‌تر اینکه داوری در مقام اثبات را حسن و قبح عقلی برخاسته از فهم عمومی و سلامت نفسانیانسان‌ها ملاک‌گذاری می‌نمایند. نقش حمایت‌گرایانه حسن و قبح عقلی از ثبات ارزش‌های اخلاقی با توجه به چالش‌هایی که همواره در جنبه‌های هستی‌شناسی و هویت‌معرفتی آن‌ها مطرح بوده است به پدید آمدن نظام اخلاقی مبتنی بر یک سلسله اصول و بنیادهای ثابت منجر خواهد شد.

کارکردهای دین در نظام اخلاقی

آن چه مهم است که گاه شبهاتی نیز توسط روشنفکران پیرامون آن پدید می‌آید، کارکردها و تاثیرات دین بر نظام اخلاقی است، که در غیر این صورت نمی‌توان وجه متمایز روشنی میان اخلاق دینی و سکولار برشمرد، البته استقصای کامل و همه‌جانبه این مساله در قالب یک طرح پژوهشی کلان با بررسی جنبه‌های نظری و عملی، کتابخانه‌ای و میدانی می‌تواند نتایج فراگیر و قابل توجهی را به دست بدهد، اما اهم این کارکردها که در این تحقیق مد نظرند عبارتند از:

۱- ایضاح مفاهیم اخلاقی

از آن‌جا که عقل تنها می‌تواند، مفاهیم کلی را درباره رابطه میان افعال اختیاری و کمال‌نهایی به دست آورد، این مفاهیم کلی برای تعیین مصادیق دستورات اخلاقی کفایت نمی‌کند مثلاً عقل می‌فهمد عدل نیکو است اما این که عدل در هر مورد چه اقتضایی دارد، و چگونه رفتاری در هر مورد عادلانه است، روشن نیست، مانند بحث حقوق زن و مرد در یکسان بودن یا تفاوت^{۲۶} زیرا تعریف مفاهیم اخلاقی و بیان ملکات افعال اخلاقی ارتباط تنگاتنگی با انسان‌شناسی و جهان‌بینی دارد.^{۲۷}

به تعبیر اسلام پژوه معروف توشیه‌کوایزوتسو که تحقیقات فراوانی درباره اسلام به انجام رسانده، قرآن مفاهیم اخلاقی را از ساخت اجتماعی و انسانی آن به تراز دینی می‌رساند، در این روند ساحت تصور و فرمول هنوز درست همان است که قبلاً بوده است، مثلاً در خصوص شکر در ایام جاهلی می‌گفتند، هرگز در مقابل

۲۶ - مصباح یزدی، دروس فلسفه اخلاق، ص ۱۹۸

۲۷ - مطهری، مسأله شناخت ص ۱۳، و مصباح یزدی، دروس فلسفه اخلاق، ص ۱۱۹

نعمت ناسپاسی مکن ولی اکنون قرآن در تراز بلندتر و والاتری که رابطه میان خدا و انسان است، این مفاهیم را به کار می‌برد. در اینجا دیگر نعمت الهی در کار است، که در برابر آن شکر می‌گذارد و یا کفران می‌ورزد.^{۲۸} در نتیجه برای اینکه مصادیق خاص دستورات اخلاقی را بدست آوریم احتیاج به دین داریم، یعنی وحی است که دستورات اخلاقی را در هر مورد خاص با حدود خاص، شرایط و لوازم آن تبیین می‌کند که عقل به تنهایی از عهده چنین کاری بر نمی‌آید... پس هم در مقام ثبوت و هم در مقام اثبات نظریه اخلاقی با دین ارتباط پیدا می‌کند.^{۲۹} زیرا پیروان اغلب ادیان صادقانه معتقدند که از طریق عقل و فطرت و وحی مکتوب به حقیقت اخلاقی دسترسی دارند.^{۳۰} ابزار شناخت انسان محدود و ناقص است، درک او از سعادت، رفاه و خیر خویش نیز درکی محدود و ناقص است از این رو اگر صرفاً به عقل و حسّ و یا وجدان برای شناخت خیر و شرّ اکتفا شود شناخت درست و کاملی نخواهد بود علاوه بر آنکه عقل حسّ و وجدان افراد گوناگون در شرایط مختلف ممکن است احکام متفاوت و گاه متعارض صادر کنند، شهوات و امیال متنوع نفس انسانی نیز بر کار آمد نبودن این ابزار می‌افزاید بنابراین آن نظام اخلاقی که سعادت حقیقی انسان را فراهم می‌کند، مستلزم بالاترین شناخت از خیرات و شرور و مصالح و مفاسد است، چنین شناختی تنها به وسیله وحی الهی امکان‌پذیر است، پس چنین نظام اخلاقی مطلقاً مستلزم وجود خداوند است، و بدون خدا چنین نظام اخلاقی امکان منطقی نخواهد داشت.^{۳۱}

نه تنها در ایضاح مفهومی بلکه دین با ارائه اسوه و الگو نیز به معرفی فضائل اخلاقی می‌پردازد، به بیان مصطلح قول، فعل و تقریر رسولان الهی در کنار کتاب آسمانی هر کدام خود به نوعی بیانگر مفاهیم اخلاقی اند، آیتی مانند لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ^{۳۲} و مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا^{۳۳} اطیعوا الله واطیعوا الرسول^{۳۴} نمونه آشکاری در این باره است که تربیت اخلاقی در دین الگوگرا است.

۲- ضمانت در اجراء

انسان‌ها بخصوص در آغاز راه نیازمند تشویق و تحذیرند، تا از راه وعده و وعیدها انگیزه بیشتری در انجام فضائل و ترک رذائل بیابند.

مسأله ضمانت اجرایی و پاداش و عقاب برخی کارها که در دنیا میسر نیست از ادله ضرورت خدا برای اخلاق محسوب شود رویکرد این پاسخ رویکرد ارزش است، البته نه ارزش اخلاقی - چرا که مستلزم دور خواهد بود، بلکه ارزش وجود شناختی است.^{۳۵}

در واقع اخلاق فاضله برای اینکه ثابت و پایدار بماند، ضامنی دارد که آن توحید است و همچنین اگر اعتقاد به معاد نباشد دیگر دلیل اساسی برای باز داشتن افراد بشر از پیروی هوا و هوس وجود نخواهد داشت.^{۳۶} از این رو اعتقاد به وجود خدا و جاودانی نفس مستلزم مسئولیت در رفتار است.^{۳۷}

۲۸ - ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۳۰۲

۲۹ - مصباح یزدی، دروس فلسفه اخلاق، ص ۱۹۸

۳۰ - پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ص ۴۴۲

۳۱ - مصباح یزدی، دروس فلسفه اخلاق، صص ۱۹۸-۱۹۷ و فتحعلی، اخلاق هنجاری، صص ۱۹-۱۸

۳۲ - احزاب / ۲۱

۳۳ - حشر / ۲

۳۴ - نساء، ۵۹

۳۵ - فتحعلی، اخلاق هنجاری، ۱۰

اخلاق و اخلاقیات بدون اتکا بر خداوند اساس خود را از دست داده از ضمانت اجرایی حقیقی برخوردار نخواهد بود.^{۳۸} زیرا دین می‌تواند بنیاد اخلاق باشد و از این طریق آن را ضمانت کند... چرا که اولاً تاریخ و تجربه نشان داده است، که هر جا دین از اخلاق جدا شده اخلاق خیلی عقب مانده است، ثانیاً دین به راحتی می‌تواند انضباطهای اخلاقی محکم و پولادین به وجود آورد ثالثاً به عنوان مؤید می‌توان گفت حتی بعضی از متفکران که در مبحث اخلاق به تأمل پرداختند به این مسأله اذعان دارند، که دین بهترین پشتوانه برای اخلاق است برای مثال داستایوفسکی روسی می‌گوید: اگر خدا نباشد همه چیز مباح یا مجاز است.^{۳۹} از این رو اساساً ممکن نیست که دین به کلی از میان برود و اخلاق پایدار بماند و جای آن را بگیرد چنانکه در غرب هم اخلاق جای دیانت را نگرفت، بلکه دین با اخلاق با صفت اخلاقی تفسیر شد و در طی این طریق بود که غرب به بن بست رسید.^{۴۰}

با حذف مذهب از حیات دنیوی و مدیریت زندگی مادی و سیاسی، اخلاق و ارزشهای اخلاقی و از جمله محوری‌ترین آنها یعنی عدالت اخلاقی متزلزل گشته و رو به فنا خواهد رفت.^{۴۱}

پیوند زدن مفاهیم اخلاقی به مفاهیم دینی غیر از تعریف کردن مفاهیم اخلاقی در قالب مفاهیم دینی است، مثلاً یکی از اسلام شناسان معروف غربی به نام رویی لوی با استناد به برخی ادله از جمله آیه (لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل المشرق والمغرب ولكن البر من آمن بالله والیوم الآخر)^{۴۲} می‌گوید: تعلیمات اخلاقی اسلامی... جزء لازم و لا ینفک از مجموعه قوانین علمی اسلامی است و این مجموعه طرح شده است، تا مؤمن راستین را به راهی رهنمون شوند که باید طی کند تا بتواند رضای الهی یا پاداش بهشت را دریابد.^{۴۳} به ویژه اینکه برای برخی ارزشهای اخلاقی مانند ایثار جز با استمداد از دین و آموزه‌های دینی نمی‌توان توجیه عقلانی ارائه داد، ایثار براساس دیدگاه غیر دینی هیچ گونه توجیه عقلانی ندارد.^{۴۴} و به تعبیر آفای کی یرکگارد پارادوکس ایمان چقدر شگفت انگیز است، پارادوکسی که می‌تواند یک قتل را به صورت عمل مقدس درآورد، عملی که کاملاً خدا از آن خشنود است، پارادوکسی که اسحاق را به ابراهیم باز پس داد پارادوکسی که هیچ اندیشه‌ای قادر به درک آن نیست.^{۴۵} و عکس آن نیز صادق است چرا که گاهی یک کار مقدس در گستره ایمان، عملی مذموم به حساب می‌آید. مانند نمازی که از سر ریاء اقامه شود.

باور به قیامت و معاد به صورت خاص از ضمانت های مهم در فعل و ترک خوب و بد اخلاقی است، مساله ثواب و عقاب برای نیکوکاران و بدکاران، ثبت و ضبط تمام اعمال انسانی اعم از صغیره و کبیره و نظارت الهی بر آن ها از تضمین های روی آوردن مکلفین به سمت نیکی هاست. تاجایی که نزدیک به یک سوم آیات قرآن مجید ناظر به مساله مرگ و معاد است.

۳۶ - طباطبایی، ۱۳۷۱، صص ۱۱، ۱۵۵

۳۷ - مجتبی، اخلاق در فرهنگ اسلامی، صص ۲-۳

۳۸ - جعفری، بررسی و نقد افکار راسل، ص ۲۴۸

۳۹ - مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ۱۸ و ۱۳۶ - ۱۳۴

۴۰ - داوری اردکانی، فرهنگ خرد و آزادی، ص ۱۳۱

۴۱ - جعفری تفسیر نهج البلاغه، ج ۲، ۹۹ - ۹۷

۴۲ - بقره، آیه ۱۷۱

۴۳ - سید قریشی، دین و اخلاق، ص ۱۹

۴۴ - جمعی از نویسندگان، فلسفه اخلاق، ص ۱۷۳

۴۵ - کی یرکگارد، ترس و لرز، ص ۱۲۰

سخن امیرالمومنین ع نمونه ای روشن از احادیث فراوان معصومین در این باره است: بندگان خدا از روزی بترسید که اعمال و رفتار انسان واری می‌شود، روزی که پر از تشویش و اضطراب است و کودکان در آن روز پیر می‌گردند... در قیامت با نیکوکار و بدکار یکسان رفتار نمی‌شود: و به تناسب رفتارشان به نعمت یا عذاب دچار می‌شوند.^{۴۶} یا آن کس که از بازگشت خود به قیامت آگاه باشد خیانت و نیرنگ ندارد.^{۴۷}

۳- غایت مندی اخلاق دینی

اخلاق دینی در هدف گذاری خود به دنبال فتح آخرین قله ایست که یک انسان متخلق و متعبد می‌تواند به آن دست بیابد. که در ادبیات دینی از آن به وصول و تقرب الهی یاد می‌کنند. هدف معرفت اخلاقی در جهت‌دهی انتخاب‌های واقعی ما، اگر اصول و قواعدش سامان بخش فاعل به سوی غایت نهایی لقای الهی نباشد برای فاعل انسانی در واقعیت تاریخی کنونی‌اش نامناسب خواهد بود.^{۴۸} در حقیقت انسان دین دار اصول اخلاقی را با رویکرد شریعت باوری و نردبان کمال و وصول به حق پای بنداست. که این به خوبی از آیات قرآن کریم قابل استشهاد است.

کی یرگور با تقسیم ساحت‌های وجودی انسان به ساحت‌های احساسی، اخلاقی و دینی، اخلاق دینی را ساحتی می‌داند که انسان در آن در بالا ترین درجه هستی قرار دارد، او همچنین تاکید دارد که صرف بودن در حوزه اخلاق کافی نیست، بلکه باید در حوزه اخلاق دینی باشیم. زیرا اخلاق دینی مبتنی بر ایمان است و خصوصیت بارز آن رنج و محنت است.^{۴۹}

در همین راستا علامه طباطبایی در میان خاستگاه‌های اخلاق آفرین، قرآن را دارای ویژگی‌های متمایزی بر می‌شمارد. علامه سه مکتب را در آثار خود طرح می‌کنند: مکاتب ۱. عقلی؛ ۲. دینی عام؛ ۳. و قرآنی، مکتب عقلی در اخلاق هدفش کسب محبوبیت اجتماعی و فضیلت روانی و غایت مکتب دینی عام وصول به سعادت ابدی و حیات جاوید اخروی با این وجه اشتراک که هر دو در صدد کسب نوعی فضیلت برای فرد انسانی هستند، ولی مکتب سوم یعنی مکتب اخلاقی قرآنی در آن یک فرق اساسی با دو تای دیگر دارد، و آن اینکه هدف در این مکتب ذات خداست، نه کسب فضیلت انسانی اعم از این جهانی یا آن جهانی.^{۵۰} به بیان دیگر ایشان مسلک‌های سه گانه اخلاق را این گونه از هم جدا می‌کند اولی مسلک تهذیب به خاطر غایات این جهانی که مسلک عقلی فلاسفه یونان بوده، دیگری مسلک تهذیب به خاطر غایات اخروی که همان دست یافتن به حور و قصور است و مکتب سوم مکتب قرآنی است که با پرورش ایمان به ترک تمام رذائل می‌انجامد.^{۵۱} و آن همان مکتبی است که در صدد آفریدن انسان کامل و به تعبیر قرآن نفس مطمئنه است که داخل شدن در سلک بندگان خاص خدا پاداش او به حساب می‌آید و متنعم شدن به رضوان الهی در مقابل جنت و فردوس بهشت اکبر است.

۴۶ - نهج ابلاغه /خ ۱۵۷

۴۷ - نهج ابلاغه /خ ۴۱

۴۸ - ر. ک اخلاق مسیحی؛ ص ۷۶

۴۹ - وال، نگاهی به پدیدار شناسی و فلسفه‌های هست بودن، صص ۱۳۲-۱۳۵

۵۰ - امید، درآمدی بر فلسفه اخلاق از دیدگاه متفکران مسلمان معاصر ایران، ص ۲۳

۵۱ - همان، ص ۲۳

در نهایت گرایش به فضائل بر می گردد به گرایش به توحید توسط انسان.^{۵۲} و آن که نیاز اخلاق به دین از آن رو است که هیچ فعل اختیاری و آگاهانه انسان بدون غایت نیست، و نمی تواند باشد، کارهای اخلاقی نیز از این قاعده مستثنا نیست، از سوی دیگر ارزش اخلاقی کارها وابسته به ارزش غایت و آن هاست، هر چه این غایات ارزشمندتر باشد ارزش اخلاقی آن ها بیشتر خواهد بود.^{۵۳} به بیان دیگر منتهای اخلاق دینی نه تنها دستیابی به کمال بلکه رسیدن و واصل شدن به حق مطلق است که در عرفان اسلامی نیز از آن سخن می گوئیم. همان گونه که استاد مطهری نیز معتقد است میان اخلاق دینی و عرفانی وجوه اشتراک زیادی وجود دارد و در نهایت اخلاق دینی همان اخلاق عرفانی است. از جمله اوصاف مشترک آن ها عبارت است از: رابطه انسان با خدا، منازل و مراحل که سالک باید طی کند تا رسیدن به سر منزل نهایی، توجه به عناصر روحی اخلاقی و احوال و وارد قلبی.^{۵۴}

زیرا مراد از تربیت و اخلاق ربوبی شدن آدمی است، که متضمن سه عنصر «شناخت»، «انتخاب» و «عمل» است.^{۵۵}

با بررسی آیات قرآن^{۵۶} تاکید بر غایت گرایی و تلاش برای دستیابی به کمالات انسانی به عنوان هدف نهایی به وضوح مشهود است. و در حقیقت تقرب خداوندی را برترین نعمت در دنیا و آخرت به حساب می آورد. و لذا قرآن بعد از این که می گوید: جنات تجری من تحتها الانهار بعد می گوید: رضوان من الله اکبر^{۵۷} خشنودی خدا از همه اینها بالاتر است.

۴- مدیریت اخلاق انسانی

از آن جا که ریشه تمام نفسانیات و رذائل اخلاقی به خودمحوری و خودخواهی باز می گردد بهترین راه برای مدیریت و کنترل آن توجه به راهکاره ای اخلاقی برخاسته از دین است، که در فرهنگ دینی از آن به عنوان اخلاص در عمل یاد می کنند. که تجسم عملی آن را می توان انسان های عارف و واصلی معرفی کرد که با ترک انانیت، عجب و خودبینی به درجات معنوی و الهی بالایی دست یافتند.

به بیان استاد مطهری محور مسائل اخلاقی، خود را فراموش کردن و از خود گذشتن و از منافع خود صرف نظر کردن است. در اخلاق یک مسئله وجود دارد که اساس همه مسائل اخلاقی است و آن رهائی از خودی و رها کردن و ترک انانیت است.^{۵۸}

قرآن همواره انسان را به گذشته خود توجه می دهد که از گلی پست پدید آمده و در آغاز تولد از هیچ دانایی و توانایی برخوردار نبوده و همواره باید تسلیم قضا و قدر الهی باشد همان کسی که در مقابل حیات و ممات خویش قادر به هیچ گونه ابراز اندامی نیست از این رو به شدت غرور ورزی او را با این همه ضعف مذمت

۵۲ - جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ص ۷۷

۵۳ - فتحعلی، اخلاق هنجاری، ص ۹

۵۴ - ر.ک: مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۰۱ و سیری در نهج البلاغه، بخش سوم، آشنایی با علوم اسلامی، عرفان، درس اول.

۵۵ - باقری، چیستی تربیت الهی، ص ۸۱

۵۶- آیاتی مانند سوره قمر آیات ۵۴ و ۵۵، بقره آیه ۱۵۶، نجم ۴۲، انشاق ۶ و...

۵۷ - توبه / آیه ۷۲

۵۸ - مطهری، گفتار های معنوی، ص ۸۰

می‌کند. این خود از برجسته‌ترین نقش‌آفرینی‌های دین در مقابل سرکشی‌های بشری است تا او را در مقابل خدا و بندگان او رام و مهار نماید.

نتیجه

در این تحقیق بدست آمد، تعریف‌های ارائه شده در ماهیت نظام اخلاقی، یکی از اجزاء و مولفه‌های مهم و تاثیرگذار، که منشا و خاستگاه یک نظام اخلاقی است نادیده انگاشته شده. از این رو نظام اخلاقی دارای اضلاع سه‌گانه است که عبارتند از عناصر، خاستگاه و هدف. و تفاوت ماهوی نظام اخلاقی اسلام و اخلاق سکولار یکی در منشا و دیگری در کارکرد و هدف است. و وجه مشترک آن‌ها تنها در افعال اخلاقی است که در آن بعد نیز میان آن‌ها تفاوت مبنایی به چشم می‌خورد.

انسجام درونی عناصر، جامعیت ارکان، ارتباط متقابل محتوایی و ساختاری گزاره‌ها و هماهنگی میان اصول ایدئولوژی و جهان بینی و جنبه‌های نظری و عملی از اهم شرایط نظام اخلاقی دینی برشمرده شد. شمول دین بر اخلاق به عنوان رابطه جزء و کل و ارگانیک میان آن‌ها، که دین در برگیرنده اعتقادات، اخلاق و احکام است، در هویت یابی نظام اخلاقی اهمیت وافری دارد.

از اهم مبانی هویت‌سازانه نظام اخلاق دینی می‌توان از خدامحوری و دین مدار، واقع‌گرایی و نفی نسبی‌گرایی اخلاقی، جامعیت‌گرایی، توجه به حسن فعلی و فاعلی و همچنین دفاع عقلانی از اخلاق می‌توان نام برد.

همچنین از کارکردهای دین در نظام اخلاقی می‌توان ایضاً مفاهیم اخلاقی، ضمانت در اجراء، غایت مندی اخلاق دینی و مدیریت اخلاق انسانی نام برد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

اسلامی، محمد تقی، ۱۳۹۰، اخلاق اسلامی و کاربرست قاعده تسامح در ادله سنن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

امید، مسعود، ۱۳۸۱، درآمدی بر فلسفه اخلاق از دیدگاه متفکران مسلمان معاصر ایران، تبریز، موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز.

ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۶۱، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار.

باقری، خسرو، ۱۳۸۰، چیستی تربیت الهی، تهران، تربیت اسلامی.

برگ، جان‌اتان، ۱۳۷۷-۱۳۷۶، پی‌ریزی اخلاق بر مبنای دین، ترجمه محسن جوادی، فصلنامه نقد و نظر، ش ۱۳ و ۱۴، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

پترسون، مایکل و دیگران، ۱۳۷۸، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو.

جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۸، فلسفه دین، تدوین عبدالله نصری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

-----، ۱۳۶۴، بررسی و نقد افکار راسل، تهران، امیر کبیر.

-----، ۱۳۷۶، تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، فلسفه اخلاق، قم، معارف.

جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۷۷، مبادی اخلاق در قرآن، قم، اسرا.

- ، ۱۳۹۰، ادب قاضی در اسلام، قم، اسرا.
- داوری اردکانی، رضا، ۱۳۷۸، فرهنگ خرد و آزادی، تهران، ساقی.
- سبحانی، محمدتقی، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۲
- سید قریشی، ماریه، ۱۳۸۱، دین و اخلاق، قم، انجمن معارف اسلامی ایران.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۱، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان.
- عبد الرحمن، طه، ۱۳۸۳، مدرنیسم، اخلاق و عقلانیت، ترجمه و تحریر مهشید صفایی، فصلنامه کتاب نقد، ش ۳۰، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فتحعلی، محمود، ۱۳۷۸، اخلاق هنجاری، فصلنامه قیاسات، ش ۱۳، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۳ق، الکافی، بیروت، دار الاضواء .
- کی‌یرکگارد؛ سورن، ۱۳۷۴، ترس و لرز، ترجمه سید محسن فاطمی، چ دوم، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
- گرین، رونالد م. ۱۳۷۴ مقاله اخلاق و دین، ترجمه صادق لاریجانی، مندرج در کتاب فرهنگ و دین، میرچا الیاده، ترجمه زیر نظر بهاء الدین خرمشاهی، طرح نو، تهران.
- مجتبوی، جلال الدین، بی تا، اخلاق در فرهنگ اسلامی، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۳، دروس فلسفه اخلاق، چ سوم، اطلاعات، تهران.
- ، ۱۳۷۸، دین و اخلاق، فصلنامه قیاسات، ش ۱۳، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ، ۱۳۷۶، پیش نیاز های مدیریت اسلامی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۷۱، مسأله شناخت، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۷۳، گفتار های معنوی، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۷۲، علل گرایش به مادیگری، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۷۷، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۷۰، مقالات فلسفی"، چ سوم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۶۸، آشنایی با علوم اسلامی، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۶۲، نقدی بر مارکسیسم، تهران، صدرا
- مکینری، رالف، ۱۳۸۶، اخلاق مسیحی، ترجمه محمد سوری و اسماعیل علیخانی؛ قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،
- وال، ژان، ورونو، رژه، ۱۳۷۲، نگاهی به پدیدار شناسی و فلسفه های هست بودن، ترجمه یحیی مهدوی، تهران، خوارزمی.
- لاوین، ت. ز، از سقراط تا سارتر، ۱۳۸۴، ترجمه پرویزبابایی، تهران، نگاه، چ دوم.
- صفائی حائری، علی، ۱۳۸۶، نظام اخلاقی اسلام، قم، لیله القدر، چ دوم.
- پورسید آقایی، دین و نظام سازی در نگاه استاد علی صفایی حائری،
- سبحانی جعفر، مجله تخصصی کلام، شماره ۳۹